

گزیده آثار
جلد پنجم

ویلهم دیلتای
شعر و تجربه
[نقادی هنر]

ترجمه منوچهر صانعی دره‌بیدی



فهرست

۹	مقدمه مترجم.....
۱۵	پیشگفتار بر کل مجلدات.....
۱۹	یادداشت ویراستاران بر جلد پنجم.....
۲۱	فهرست اختصارات.....
۲۵	مقدمه بر جلد پنجم.....

بخش اول

فن شعر

۶۳	۱. تخیل شاعر: عناصر فن شعر (۱۸۸۷).....
	برگردان: لوئیس آگوستا و رودلف ای. مکریل
۷۵	قسمت اول: بصیرت‌های سنتی و وظایف جدید فن شعر.....
۱۰۳	قسمت دوم.....
۱۰۳	فصل اول: توصیف سرشت شاعر.....
۱۲۱	فصل دوم: کوشش برای تبیین خلاقیت شعری از دیدگاه روان‌شناسی.....
۱۷۷	فصل سوم: تأیید برآمده از گواهی خود شاعران.....
۱۸۹	قسمت سوم: صورت نوعی در شعر.....

۳۸۹	شکسپیر.....
۴۰۵	روسو.....
۴۱۲	گوته.....
۴۶۱	۵. فریدریش هولدرلین (۱۹۱۰)..... برگردان [به انگلیسی]: جوزف راس
۴۶۴	میهن و اولین کوشش‌های شعری تفننی.....
۴۶۸	هولدرلین جوان: سرودهای آرمان‌های انسانیت.....
۴۹۰	بلوغ.....
۵۰۹	داستان هوپریون.....
۵۳۳	تراژدی امپدوکلس.....
۵۶۱	شعرها.....
۵۷۸	پایان.....
۵۸۵	نمایه اشخاص.....
۵۹۳	نمایه موضوعی.....

قسمت چهارم: چشم‌اندازهایی برای نوعی نظریه فن شعر که باید از این بنیادهای روان‌شناختی استنتاج شود.....	۱۹۵
فصل اول: خلاقیت شعری و انطباق زیبایی‌شناختی.....	۱۹۷
فصل دوم: فن شاعر.....	۲۰۸
فصل سوم: شأن تاریخی فن شعر.....	۲۵۵
۲. سه دوره زیبایی‌شناسی جدید و وظیفه کنونی آن (۱۸۹۲)..... برگردان: مایکل نیل	۲۷۵
۱. سه روش قبلی زیبایی‌شناسی.....	۲۸۲
۲. اندیشه‌هایی در باب راه‌حل وظیفه امروزی زیبایی‌شناسی.....	۳۱۹
۳. قطعاتی برای فن شعر (۱۹۰۷-۱۹۰۸)..... برگردان: رودلف ای. مکریل	۳۴۵
تجربه زیسته.....	۳۴۵
روان‌شناسی ساختاری.....	۳۵۲

بخش دوم

شعر و تجربه زیسته

۴. گوته و تخیل شعری (۱۹۱۰)..... برگردان: کریستوفر رودی	۳۶۱
زندگی.....	۳۶۴
تخیل شعری.....	۳۶۶
تخیل شعری گوته.....	۳۷۵
شعر و تجربه زیسته.....	۳۸۴

قسمت اول

بصیرت‌های سنتی و وظایف جدید فن شعر

۱. فن شعر به عنوان نظریه صورت‌ها و فن

فن شعری که ارسطو بنا کرد، که در زمان‌های بعد تا قرن هجدهم به کار رفت و غنی‌تر شد، نظریه‌ای بود در مورد صورت‌ها و فنی بود بنا شده بر آن‌ها.

ارسطو همواره روش تعمیم را به کار می‌برد که صورت‌ها را از امور واقع جزئی استنتاج می‌کند و آن‌ها را هم‌رتبه می‌گرداند و نیز روش تحلیل را به کار می‌برد که نشان می‌دهد صورت‌ها چگونه از واحدها ترکیب شده‌اند. روش ارسطو فراهم‌کننده توصیف است نه تبیین علی اصیل. دستور زبان، منطق، خطابه و فن شعر او آشکارا مبتنی است بر مشاهدات، تحلیل، مفاهیم صوری و قواعد که همه این‌ها از عمل به خود هنر مورد نظر رسیده بود و به واسطه نظام‌مندی سوفسطاییان تصفیه و بازسازی شده بود. با مشخص کردن و تنظیم صورت‌های ثابت و ماندگار و تحلیل کردن آن‌ها به نحوی که معلوم شود که ۱۱۰ واحدها چگونه در پیوندها و ترکیب‌های بنیادی گرد می‌آیند و این ترکیب‌ها چگونه در نظام‌های بالاتر ترکیب می‌شود، ارسطو توانست نتایج خود عمل را همانند قواعد فنی که سوفسطاییان پرورانده بودند، مورد استفاده قرار دهد. بخش بزرگی از تعلیم و تربیت یونانی تشکیل شده بود از آموزش تحلیل زبان

به صداها، عنوان واحدها، تحلیل واحدهای بزرگ‌تر موسیقایی یا وزن‌های شعری به ضرب‌ها، تحلیل دلیل‌ها [استدلال‌ها] به حدها [حدود قیاس]؛ سپس در تنظیم و طبقه‌بندی صورت‌ها چنان‌که از ترکیب برآمده‌اند؛ سرانجام شناخت و کاربرد قواعدی که طبق آن‌ها وسایل قابل دسترس در چنین صورت‌هایی باید برای اهداف خاصی فراهم آید. فن شعر ارسطو نظریه‌ای بود در مورد صورت و فن به این معنی. در سرتاسر قطعات این کتاب به کنار آمدن‌هایی با نتایج فن به دست آمده در کنش ادبی و تحلیل دانشگاهی (آکادمیک) برمی‌خوریم. فن شعر تکامل منظم و کمال تعلیمی خود را مدیون این نکته است.

گرچه آنچه از متن فن شعر باقی مانده است فاقد سازماندهی منسجم است و به نحو قابل توجهی در مورد رابطه‌اش با پیشینیان و بقیه نوشته‌های ارسطویی خاموش و ساکت است، پیوندهای منطقی قابل تشخیص در آنچه باقی مانده است مبین این نتیجه است که نظریه ارسطو در مورد صورت و فن شعری از اصول زیبایی‌شناسی عام اقتباس نشده است، خواه از زیبایی یا از قوه‌ای هنری، بلکه به نظر می‌رسد از آثار عینی و بالفعل ادبی و نتایج آن‌ها انتزاع شده است و مبتنی است بر تعمیم‌هایی در مورد روابط و نسبت‌های فنی بین وسایل تقلید و موضوعات تقلید و حالت‌های ممکن تقلید.

قواعد این فن شعر بدون استثنا از خواص ادبیاتی استخراج شده است که متشکل است از تقلید از مردان عمل به نحوی که در سخن ارائه شده است (که می‌توان آهنگ و دانگ (صدا) را بدان افزود)، به شیوه‌های گوناگونی که این ارائه کردن می‌تواند در قالب آن‌ها انجام شود. این اصل تقلید مثل منطق ارسطو و نظریه شناخت او عینیت‌گراست. طبق نظریه شناخت او ادراک و فکر با هستی منطبق است^۱ به نحوی که هستی خود را در فکر آشکار می‌کند.

این اصل عینیت‌گرا مبین برداشت طبیعت‌گرایانه‌ای از شناخت و هنر بود. از یک طرف، این اصل تقلید ساده‌ترین بیان نوعی کنش و درک هنری است - که به یقین فقط در مورد هنرهای بصری و شعری صدق می‌کند نه در مورد موسیقی، هنر معماری و تزیین‌کاری. از طرف دیگر، این اصل طبق این حالت عینیت‌گرای توجه به جهان، لذت شعری را ذیل لذت آموختن و تفکر قرار می‌دهد. گرچه این اصل فاقد استلزاماتی نیست که به سطوح بنیادی‌تر بازمی‌گردند، هنگامی که فن شعر برای تشریح منشأ شعر با شوق به تقلید و ۱۱۱ درک و دریافت تقلیدها کفایت می‌کند، آن هم شوقی که با لذت آهنگ و نظم درآمیخته است، چشم‌انداز فنی مسلط می‌شود.

آن‌گاه تمام آثار دیگری که هنر شاعری باید تولید کند از ماهیت چیزی برمی‌آید که مورد تقلید واقع شده است، یعنی از انسان اهل عمل. در این زمینه فن شعر به نواحی مهم متوسل می‌شود، یعنی به ماهیت اخلاقی و روانی فرایندی که باید از آن تقلید شود. به این ترتیب فن شعر نظریه‌ای بنا می‌کند که صرفاً صورت‌بندی انتزاعی‌ای از ویژگی‌های تراژدی یونانی است، یعنی طرح و نقشه در واقع اصل یا روح تراژدی است و شخصیت دارای اهمیت درجه دوم است. این طرح مبتنی بر این اصل موضوع اخلاقی است که هدف و غایت و سعادت انسان در کنش و عمل نهفته است. بنابراین در بازتولید متمرکز شده تراژدی زندگی، کنش‌ها نباید فقط برای شخصیت ترسیم شده رخ دهند. علاوه بر این، این فن شعر ویژگی تراژدی را به عنوان آنچه در نوع تأثیری نهفته است که اشیای مورد تقلید آن‌ها را تولید کرده‌اند، لحاظ می‌کند، یعنی در ترس و رحم و شفقت. این فن شعر به صراحت اعلام می‌دارد تعریفی که این تعیین اثر تراژیک متعلق به آن است، بر مباحثه‌ای قبلی بنا شده بوده است. این پایه‌گذاری که شوربختانه از دست رفته است باید این تأثیر را با شیوه‌ای اخلاقی-نفسانی از ماهیت فرایند مورد تقلید استخراج کرده باشد.

۱. در قالب و از طریق مقولات ده‌گانه منطقی. - مترجم فارسی.